

گفتار وارونه

زندگی دروغ‌گویان؛ پند صامب‌دلان
(راهکارهای معجزه‌آسا برای (هایی از آسیب «دروغ»

تهیه و تنظیم:
دکتر حسین علی شیرین

نیوکا
مؤسسه انتشاراتی

سرشناسه	: شیرین، حسینعلی
عنوان و پدیدآور	: گفتار وارونه: زندگی دروغگویان: پند صاحب‌دلان راهکارهای معجزه‌آسا برای رهایی از آسیب دروغ/ تهیه و تنظیم حسین‌علی شیرین. تهران: شوکا، ۱۳۸۷.
مشخصات نشر	: ۸۰ص.
مشخصات ظاهری	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۰۵-۹۹-۸
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۰۵-۹۹-۸
یادداشت	: فیبا
موضوع	: راستگویی و دروغگویی.
موضوع	: راستگویی و دروغگویی -- احادیث.
موضوع	: راستگویی و دروغگویی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۷ کی ۹ش ۲۵۱/۲ BP
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۶۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۲۸۹۰۳

شوکا
مؤسسه انتشاراتی

گفتار وارونه

(زندگی دروغ‌گویان؛ پند صاحب‌دلان
(راهکارهای معجزه‌آسا برای رهایی از آسیب «دروغ»)

- تهیه و تنظیم: دکتر حسین‌علی شیرین
- ناشر: شوکا
- ویراستار: شهاب شهرزاد
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۸
- طراح جلد: سعید نوروزی
- حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: شوکا
- شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۰۵-۹۹-۸
- مرکز پخش: شوکا ۴۴۳۰۱۲۸۸
- قیمت: ۲۵۰۰ تومان

نشانی مؤسسه انتشاراتی شوکا:

تهران: بالاتر از میدان دوم شهران، شماره‌ی ۸۹، طبقه‌ی سوم، شوکا.

فهرست

عنوان	صفحه
سر آغاز.....	۷
دروغ؛ سر آغاز بی ارزشی.....	۱۱
دروغ؛ خاموشی چراغ جان.....	۱۳
دروغ؛ بستن درب رحمت.....	۱۴
دروغ؛ خاموش کردن نور هدایت.....	۱۶
دروغ؛ بستن درب خیر و برکت.....	۱۷
دروغ؛ ویران کننده‌ی نیکی.....	۱۸
دروغ؛ خدا حافظی با خوشبختی و موفقیت.....	۱۹
دروغ؛ از بین برنده‌ی رزق و روزی.....	۲۱
دروغ؛ بی کلاسی زبان.....	۲۳
دروغ؛ خیانتی ناجوانمردانه.....	۲۵
دروغ؛ کج کننده‌ی صراط مستقیم.....	۲۷
دروغ؛ ویرانی علم و دانش.....	۲۹
دروغ؛ ویرانی اعتبار.....	۳۰
دروغ؛ ویران کننده‌ی عقل.....	۳۲
دروغ؛ خدا حافظی با امین بودن.....	۳۳
دروغ؛ الفبای بدبختی.....	۳۵
دروغ؛ الفبای هلاکت.....	۳۶

- ۳۷..... دروغ؛ آغاز عیناکی
- ۳۹..... دروغ؛ به استقبال تباهی و نابودی رفتن
- ۴۰..... دروغ؛ یعنی روان پریشی
- ۴۱..... دروغ؛ ویران کننده‌ی عمل
- ۴۲..... دروغ؛ آسیب به خود
- ۴۴..... دروغ؛ یعنی ویرانی
- ۴۶..... دروغ؛ فاسد کننده‌ی اخلاق
- ۴۷..... دروغ؛ ننگ و عار در دنیا
- ۴۸..... دروغ؛ یعنی مصیبت و پشیمانی
- ۴۹..... دروغ؛ یعنی بی‌حرمتی و اتهام
- ۵۱..... دروغ؛ رسوایی بزرگ
- ۵۳..... دروغ؛ یعنی سرگردانی
- ۵۴..... دروغ؛ یعنی ننگ و زشتی
- ۵۶..... دروغ؛ مایه‌ی عبرت
- ۵۷..... دروغ؛ یعنی خوره‌ی ایمان
- ۵۸..... دروغ؛ یعنی کوری و آینده را ندیدن
- ۵۹..... دروغ؛ بیماری اخلاق
- ۶۰..... دروغ؛ داستانی سراب‌گونه
- ۶۲..... دروغ؛ واگویی طوطی‌وار
- ۶۳..... دروغگو، همچون مرده‌ی متحرک

- ۶۵..... دروغ؛ سرآغاز بی‌حیایی
- ۶۷..... دروغگو، همه را به کیش خویش گیرد
- ۶۹..... دروغ؛ دروازه‌ی دوزخ
- ۷۰..... دروغ؛ سرآغاز نفاق
- ۷۱..... دروغ؛ یعنی اعلان جنگ با خدا
- ۷۳..... دروغگو، سگ له‌له کننده
- ۷۵..... دروغ مصلحت‌آمیز
- ۷۶..... منابع

دروغ گفتن به ضربت لازم ماند که اگر نیز جراحی درست شود نشان بماند
چون برادران یوسف که به دروغ موسوم شدند نیز به راست گفتن ایشان اعتماد
نماند «قال بل سَوَّلْتُ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَمْرًا»

خطایی رود در گذارند از او	یکی را که عادت بود راستی
دگر راست باور ندارند از او	وگر نامور شد به قول دروغ

تا نیک ندانی که سخن عین صواب است
باید که به گفتن دهن از هم نگشایی
گر راست سخن گویی و در بند بمانی
به زانکه دروغت دهد از بند رهایی

گلستان سعدی

«شَفای دروغ»؛

با توسل به آیات و سلوک قرآنی

سرآغاز

دروغ، فعل طبیعی است که منشأ آن اراده‌ی آدمی است، منشأ این طبیعت، گاه حس بینایی است، مثلاً منظره‌ای را می‌بینیم و هنگامی که از ما درباره‌ی آن منظره سؤال می‌شود، جواب ما خلاف آن چیزی است که ادراک کرده‌ایم. گاه به وسیله‌ی گوش‌های خود صدایی را می‌شنویم و جواب ما در مقابل سؤالی که از ما درباره‌ی آن صدا می‌شود، مطابق با واقع نیست. گاه، غذایی را می‌خوریم و کسی از ما مزه‌ی آن غذا را سؤال می‌کند، اگر جواب ما مطابق آن مزه‌ای که احساس کرده‌ایم نباشد دروغ گفته‌ایم و یا اگر بویی را استشمام کرده باشیم و در مقابل سؤالی که از آن بو از ما می‌شود، جوابی مطابق واقع ندهیم و یا اگر حسی کرده باشیم و یا لمس‌ی کرده باشیم هر جوابی که مطابق واقع نباشد بدهیم در حقیقت دروغ گفته‌ایم، در واقع به وسیله‌ی هریک از حواس پنجگانه می‌توان دروغ گفت، نقش حواس پنجگانه برای دروغ که فعلی ارادی است شرط لازم است ولی شرط کافی نمی‌باشد. آیا دروغ به عنوان یک فعل غیراخلاقی قبح ذاتی و مطلق دارد یا این‌که قصه به گونه‌ای دیگر است. به نظر می‌رسد، گاه ضرورت‌هایی، دروغ گفتن را حتمی می‌کنند، مثلاً کسی تصمیم به قتل گرفته است و از ما آدرس کسی را که می‌خواهد بکشد بگیرد، اگر ما راست بگوییم شریک قتل خواهیم شد و اگر نگوییم در واقع دروغ گفته‌ایم به نظر دروغ مصلحت‌آمیز را برای چنین مواقعی وضع کرده‌اند، بنابراین به نظر می‌رسد برخی مسایل اخلاقی همچون دروغ‌گویی و راست‌گویی، غیبت و تهمت و تواضع و... واژه‌هایی که تعریفی تقریباً دقیق دارند حسن و قبح مطلق بردار نیستند و در عوض مسایل اخلاقی چون شجاعت، عدالت و نظم که تعریفی دقیق ندارند حسن و قبحشان مطلق

است، بنابراین نمی‌توان گفت که دروغ‌گویی بالضروره و بالذات بد است بلکه از حیث عرف عام، دروغ‌گویی امری بد است و اگر دروغ‌گویی مطلقاً بد بود دیگر دروغ مصلحت‌آمیزی نداشتیم، علاوه بر این در خوبی و بدی دروغ عواملی دیگر دخالت دارند که آن‌ها بیرون از ذات دروغ می‌باشند و این عوامل موجب گردیده‌اند که دروغ امری مذموم و ناپسند باشد و اگر روزی کارکرد و کاربرد این عوامل تغییر کند، قطعاً دروغ چنین قاعده‌ای را دیگر ندارد، در زندگی امروز راستگویی و سایر مسایل اخلاقی که تحت عنوان فضایل اخلاقی مطرح هستند بسیار حائز اهمیت است چنانکه بدون رعایت این فضایل رسیدن به هرگونه موفقیت و سعادت‌مندی غیرممکن است، علاوه بر آن، فضایل اخلاقی هم اکنون موجب آرامش و امنیت جامعه می‌گردد و اگر روزی فضایل اخلاقی موجب آرامش و امنیت جامعه نگردند، دیگر معلوم نیست که از آن‌ها تحت عنوان فضایل بتوان نام برد. رذایل اخلاقی نیز مانند فضایل است، بنابراین اگر روزی کارکرد بیرونی رذایل و فضایل تغییر کند طبیعی است که ما انتظار داشته باشیم که نام فضایل و رذایل اخلاقی نیز تغییر کند مثلاً شما در مقابل متکبر اگر تواضع نشان دهید رذیلت است، باید در مقابل متکبر، تکبر ورزید و این مطابق دستور شارع و فضیلت است و یا اگر کسی واجب‌الغیبت باشد از او غیبت نکنیم عمل ما رذیلت می‌گردد و اگر پشت سر او غیبت کنیم فضیلت می‌شود و یا فضیلت دروغ مصلحت‌آمیز به مراتب بیش‌تر از راست فتنه‌انگیز می‌باشد.

از آن‌جا که دروغ و دروغ‌گویی موجب برهم خوردن نظم و تعادل و امنیت و رشد جامعه می‌گردد، لذا همه موظفند که از دروغ پرهیز نمایند و همچنین از آن‌جا که دروغ موجب کجی و آدرس غلط دادن می‌گردد و زندگی را آلوده و جهنمی می‌کند، لذا دروغ گفتن گناهی است جهنمی، از این جهت باید از آن پرهیز کرد، مگر دروغ‌هایی که آدمی را از قعر جهنم به در آورد و به بهشت رهنمون کند و چون چنین دروغ‌هایی به غایت اندک است لذا در آن باید بسیار دقت کرد.

این نوشته‌ی مختصر بر آن است که دروغ و آسیب‌های آن را از زوایای مختلف به صورت داستان‌هایی که قریب به اتفاق آن برای نویسنده تجربه گردیده به زبان ساده مطرح کند تا عبرتی باشد برای کسانی که به راحتی

دروغ می گویند و آن را از نان شب برای خود واجب تر می دانند غافل از آن که همین دروغ هاست که نان سفره آن ها را تهی نموده و زندگی آن ها را خالی از برکت و رحمت نموده است. به علاوه، این مختصر می تواند برای کسانی که قصد دارند زندگی سالم و سرشار از شادی و موفقیت داشته باشند ایجاد انگیزه ای بیش تر کند.

امروزه دروغ به خاطر کارکردهایش همچون آفتی است که تمامی موفقیت های زندگی را نشانه گرفته است، رسیدن به موفقیت نیازمند عواملی همچون شجاعت، صداقت، عزم، ایمان، پشتکار و... است که دروغ به تنهایی موجب آلودگی و از بین رفتن این عوامل می گردد، امید است با عزمی راسخ و ایمانی سرشار از شور و نشاط و دلی پر از صدق و صفا و اخلاص، بر تمامی کژی های زندگی فایق آییم.

والسلام

مسین علی شیرین